




کمیته حقوق بشر  
حقوقدانان انگلستان و ویلز  
(BHRC)

## حقوق اجتماعی - اقتصادی و انکشاف

افغانستان

می ۲۰۰۸

نشرات کمیته حقوق بشر  
حقوقدانان انگلستان و ویلز  
لندن - (BHRC) 

## فهرست مطالب

اول - اصول حقوق بين الدول .....	۵
دوم - آرای قضائی مقایسوی .....	۸
(۱) تجربه قضائی هند .....	۸
(۲) تجربه قضائی افریقای جنوبی .....	۱۱
سوم - اقدام دولت .....	۱۳



## حقوق اجتماعی-اقتصادی و انکشاف

### اول - اصول حقوق بین الدول

در اعلامیه جهانی حقوق بشر دو دسته حقوق که به گونه سنتی از هم متمایز به نظر می رسند به رسمیت شناخته اند - حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. هر یک از این دسته حقوق در یک میثاق جداگانه - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بالترتیب انعکاس یافته است. برخی، این دو دسته حقوق را باهم خیلی مرتبط دانسته و دیگران اندیشه ارمانهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوق را به مثابه مواجهه با خود اندیشه حق بشر می دانند.

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه شماره ۲۲۰۰A (XXI) به تاریخ ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید و به تاریخ ۳ جنوری سال ۱۹۷۶ نافذ گردید. افغانستان به تاریخ ۲۴ اپریل سال ۱۹۸۳ به این میثاق الحاق نمود. این میثاق پنج بخش دارد. بخش اول آن، مانند بخش اول میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق خودارادیت مردمان گیتی را برسمیت می شناسد؛ بخش دوم ماهیت کلی مکلفیتهای کشورهای عضو را تعریف می کند؛ بخش سوم حقوق مشخص ماهوی را بدست می دهد؛ بخش چهارم به تعمیم بین المللی میثاق و بخش پنجم حاوی احکام نهائی معاهده حقوق بشر می باشد. حقوق ماهوی در بخش سوم شامل حق کار (ماده ۶)، حق شرایط عادلانه و مساعد کار (ماده ۷)، حق ایجاد اتحادیه صنفی (ماده ۸)، حق تأمینات اجتماعی و بیمه (ماده ۹)، حق سطح مناسب معیشت بشمول خوراک، پوشاک و مسکن (ماده ۱۱)، حق صحت جسمی و فکری (ماده ۱۲) و حق تحصیل (ماده ۱۳) می باشد.

واضح است که میان ماهیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی رابطه و پیوند باهمی وجود دارد. به گونه مثال:

- منع تبعیض در رابطه با تضمین حقوق مندرج هر یک از این میثاقها در هر دو سند مشترک است.
- هر چند حق تحصیل و آزادی انتخاب مکتب طفل توسط والدین در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تسجیل یافته است (ماده ۱۳)، آزادی انتخاب تعلیمات دینی و اخلاقی طفل توسط والدین در میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است (ماده ۱۸).

- حق تشکیل اتحادیه های صنفی در میثاق اولی بیان شده است، ولی حق آزادی اجتماع که می تواند پیش شرط آن باشد در میثاق دومی آمده است.
- به همین سان، حق صحت جسمی و فکری واضحاً پیش شرط استفاده سالم شمار زیادی از حقوق مانند آزادی بیان و سهمگیری سیاسی به حساب می آید.
- و امارتیا سین در کتاب خویش می نویسد که قحطی هرگز دامنگیر کشوری نشده که مستقل باشد، منظمآ انتخابات دایر نماید، احزاب اپوزیسیون داشته باشد که صدای انتقاد خویش را بلند کنند، و مطبوعات داشته باشد که عاری از سانسور بوده باشد.<sup>۱</sup>

در پهلوی این ارتباط باهمی، شماری زیادی از تفاوتها میان این دو میثاق به مشاهده می رسد. به گونه مثال، فقره (۱) ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور عضو را مکلف می سازد تا حقوق مندرج میثاق را به شکل پیشرونده و مطابق به "حد اعظم منابع دستداشته" تحقق بخشد. و در رابطه با حقوق مشخص ماهوی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی عباراتی مانند "هر شخص حق دارد ... " و یا "هیچ شخص نباید ... " آمده است، در حالیکه در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اکثراً فورمول "کشورهای عضو حق هر شخص مبنی بر ... را به رسمیت می شناسد" به کار برده شده است. این گونه جمله بندی مورد انتقاد برخی نویسندگان قرار گرفته است. آنها می گویند که انجام اینگونه الفاظ بی انتها بوده و خیلی برنامه یی به نظر می رسند.<sup>۲</sup> به مثال ذیل توجه کنید:

فقره (۱) ماده ۲ حکم می کند:

هر کشور عضو این میثاق متعهد میگردد که تدابیری را، چه بطور انفرادی و یا از طریق مساعدت و همکاری بین المللی، بویژه اقتصادی و تخنیکی، با استفاده از حد اعظم منابع دستداشته به منظور دستیابی پیشرونده در جهت تحقق کامل حقوق مندرج این میثاق از راه کلیه وسائل مناسب بویژه اقدامات تقنینی، اتخاذ نماید.

ماده ۱۱ حکم می کند:

۱- کشورهای عضو این میثاق حق هر فرد مبنی بر داشتن یک سطح مناسب زندگی برای خویش و خانواده اش از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و مناسب، و بهبود متداوم شرایط زندگی را برسمیت می شناسند. کشورهای عضو این میثاق اقدامات لازم را جهت تامین و تحقق این حق

<sup>۱</sup> Amartya Sen, *Freedoms and Needs*, The New Republic (Jan ۱۰ and ۱۷, ۱۹۹۴) ۳۱ at ۳۲.  
<sup>۲</sup> Steiner and Alson, *International Human Rights in Context: Law Politics and Morals* (۲<sup>nd</sup> Ed) at p.۲۴۶.

بعمل خواهند آورد و بدین وسیله ضرورت اهمیت همکاریهای بین المللی را بر اساس رضایت آزادانه طرفین خواهند پذیرفت.

۲- کشورهای عضو این میثاق، حق اساسی هر فرد مبنی بر عاری از گرسنگی را برسمیت می شناسند و اقدامات انفرادی و یا از طریق همکاری بین المللی، بشمول برنامه های مشخص را به خاطر اهداف ذیل بعمل خواهند آورد.

أ. بهبود روشهای تولیدی، نگهداری و توزیع مواد غذایی با استفاده کامل از دانش فنی و علمی، انتشار و اشاعه دانش اصول تغذی، توسعه و یا اصلاح سیستمهای زراعتی بمنظور دستیابی به مؤثرترین سطح رشد و استفاده از منابع طبیعی.

ب. تامین توزیع عادلانه فرآورده های غذایی جهان بر حسب احتیاج با درنظرداشت مسایل کشورهای واردکننده و صادرکننده مواد غذایی.

ماده ۱۲ حکم می کند:

۱- کشورهای عضو این میثاق حق هر فرد مبنی بر برخورداری از بالاترین سطح ممکن سلامت جسمی و روحی را برسمیت می شناسند.

۲- اقداماتی را که کشورهای عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حق اتخاذ می نمایند حاوی منجمله مقاصد ذیل می باشند:

- أ. کاهش میزان تولدهای بیجان و تقلیل سطح مرگ و میر اطفال و رشد سالم کودک.
- ب. بهبود تمام جوانب حفظ الصحة محیط زیست و صنعتی.
- ج. پیش گیری و معالجه و کنترل بیماریهای ساری، بومی، حرفه ای و سایر امراض.
- د. ایجاد شرایط جهت تامین تمام خدمات و مراقبتهای طبی در مواقع بیماری.

همانا همین تفاوتهای جمله بندی ها و عبارات باعث آن شد که برخی مبصرین استدلال نمایند که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نمی توان حساسیتاً حقوق خواند. آنها این حقوق و حقوق "حقیقی" مدنی و سیاسی را به گونه ذیل از هم تفریق می دهند:<sup>۳</sup>

---

David Beetham, *What Future for Economic and Social Rights?* ۴۳ Political Studies ۴۱ (۱۹۹۵).<sup>۳</sup>

مدنی و سیاسی	اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
بنیادی و همگانی	فقط خواست و آرزو است
به نحو قابل العدل تعریف شده می تواند	به نحو قابل العدل تعریف شده نمی تواند
یک کارپذیر صریح	حکومت ملی، سازمانهای بین المللی، انجوها
دارای ظرفیت انجام وجیبه	اولویتهای رقیب و منابع محدود

قابلیت عدل چیست؟ سخن بر سر این سوال است که آیا محاکم می توانند و یا بعضاً می خواهند برای عارضی که از نقض یک حق معین شکایت دارد چاره و درمان قضائی ارائه نمایند. چرا قابلیت عدالت پیرامون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد سوال قرار می گیرد؟ تحقق این حقوق شامل مسایلی می شوند که به تخصیص منابع ارتباط می گیرد. نخست، استدلال می شود که اگر قرار می بود قضا به حقوق از این قبیل رسیدگی می نمود، مجبور می شد در مسایل تخصیصات بودجوی که در صلاحیت قوای مقننه است مداخله کند. ثانیاً، استدلال می شود که تصامیم مربوط به تخصیص منابع اکثراً در زمینه فقدان منابع و منافع رقیب صورت می گیرد؛ قضاوت میان این منافع مستلزم انتخابهای دشوار است که در صلاحیت ارگانهای ای قرارداداشته باشد که به شکل دموکراتیک انتخاب شده اند تا این انتخابها را بکنند. در حالیکه قضاوت نه صلاحیت و نه مشروعیت آنها دارند.<sup>۴</sup>

## دوم - آرای قضائی مقایسوی

### (۱) تجربه قضائی هند

یک فصل قانون اساسی سال ۱۹۵۰ هند که به "حقوق بنیادی" ارتباط می گیرد تا حدود زیادی حاوی حقوق مدنی و سیاسی است که در بسا مسایل دعوی متبازر اند، و فصل دیگری به "اصول رهنمودی مشی دولتی" ارتباط می گیرد.

ماده ۲۱ حکم می کند:

هیچ شخص از حق زندگی یا آزادی شخصی محروم نمی شود مگر براساس مراحل مبتنی بر قانون.

<sup>۴</sup> Cecile Fabre, *Constitutionalising Social Rights*, ۶ J. Polit. Phil ۲۶۳ (۱۹۹۸), at ۲۸۰-۸۳.



ماده ۳۷ حکم می کند:

احکام مندرج این بخش توسط محکمه تعمیم نمی شود مگر اینکه اصول مندرج این بخش در حکومتداری کشور بنیادی باشد و وظیفه دولت است که این اصول را در طرح و تدوین قوانین بکار گیرد.

ماده ۳۹ حکم می کند:

دولت بویژه مشی خویش را در جهت تأمین اهداف ذیل سمت می دهد:

- (أ) اتباع کشور، زنان و مردان علی السویه، حق دسترسی به معیشت کافی داشته باشند؛
- (ب) مالکیت و کنترل منابع مادی جامعه طوری تقسیم بندی گردد که در خدمت منافع مشترک باشد؛
- (ج) عملکرد نظام اقتصادی به تمرکز ثروت و وسایل تولید که به زیان عامه باشد نه انجامد؛
- (د) هم برای مردان و هم برای زنان در برابر کار مساوی مزد مساوی پرداخته شود؛
- (ه) صحت و نیروی کارگران، اعم از زن و مرد، و سن نازک اطفال مورد سؤ استفاده قرار نگیرد و اتباع بنابر مجبوریست اقتصادی و ادار نشوند در کارهای خود را شامل سازند که با سن و نیروی شان مناسب نباشد؛
- (و) به اطفال فرصت و امکان داده شود به نحو سالم و در شرایط آزادی و عزت رشد نمایند و سنین طفولیت و نوجوانی در برابر استثمار و در مقابل بی بندباری اخلاقی و مادی حفظ شوند.

ماده ۴۱ حکم می کند:

دولت در حدود توانائی اقتصادی و انکشاف خویش تدابیر مؤثری را در جهت تأمین حق کار، حق تحصیل و حق مساعدت دولتی در حالات بیکاری، کبر سن، بیماری و معلولیت، و در سایر موارد احتیاج اتخاذ می نماید.

ماده ۴۷ حکم می کند:

دولت ارتقای سطح تغذی و سطح زندگی اتباع و بهبود صحت عامه را از جمله وظایف عمده خویش می داند.

این اصول رهنمودی که هرچند خود مستقیماً غیرقابل العدل می باشند دو خصلت دیگر اجراءات نظام عدلی هند را باهم تلفیق داده و بدین ترتیب حقوق را در گام نخست در ستره محکمه فراهم می سازد که منجر به دعوی منافع عامه یا دعوی اقدام اجتماعی می گردد. این خصایل اجرائی عبارت اند از:

(۱) قضاوت نامه نگاری محاکم هند که نامه های واصله اتباع عادی کشور به عرایض کتبی مبدل می شوند. تأثیر این کار این است که قانون طوری دگرگون شود که دسته وسیع مردم بخاطر شکایت در باره نقض حقوق شان به محاکم دسترسی داشته باشند.

(۲) جمع آوری آمار و ارقام اجتماعی و مدارک حقوقی در باره حالت وخیم گروههای فقیر اتباع از جانب کمیسیونهای اجتماعی و حقوقی ایکه توسط محاکم تعیین می شوند. این کمیسیونها به مصرف دولت ایجاد شده و در ترکیب آن افراد عام، دانشمندان اجتماعی و بگونه فزاینده پوهتونها و مؤسسات پژوهشی ایکه گذارشهای مربوط را جهت استفاده در مجلس دعاوی تهیه می کنند، شامل اند.

اولگا تیلیس در برابر شرکت بلدیة بمبئی، نشرات آل اندیا ریپورتر، ۱۹۸۶ ستره محکمه ۱۸

این دوسیه شامل عرایضی می شود که به نمایندگی از کلبه نشینان کنار سرک و فقیرنشین، که خصلتاً کارگران بی زمین بوده و از مناطق دهاتی بخاطر دریافت کار حتی به مزد نهایت کم به بمبئی نقل مکان کرده بودند، به محکمه ارائه شده است. صدراعظم ایالت مهاراشتا اعلام داشت که تمام کلبه نشینان کنار سرک از کلبه های شان بیرون رانده شده و به سکونت اصلی شان فرستاده می شوند و به شرکت بلدیة بمبئی دستور داد تا کلبه های شانرا ویران و باشندگان آنرا خارج سازد.

عارضین ادعا کردند که تصمیم ویران کردن کلبه های شان منجمله احکام ماده ۲۱ قانون اساسی هند را نقض می کند. آنها استدلال نکردند که حق دارند در کنار سرک زندگی نمایند بلکه گفتند که حق زندگی دارند و از این حق خویش نمی توانستند بدون وسیله معیشت مستفید شوند. لذا آنها خواهان دستوری شدند که مطابق آن آنها بدون بدیل سکونت از کلبه های شان بیرون رانده نشوند. حکومت استدلال کرد که به عناصر ضعیفتر جامعه مساعدتهای مسکن فراهم کرده است ولی تخصیص و توزیع مسکن باید پس از متوازن ساختن خواستههای متضاد سکتورهای مختلفی که اولویت دارند صورت گیرد.

محکمه استدلال عارضین را حمایت کرده اظهار داشت که حق زندگی مندرج ماده ۲۱ قانون اساسی هند شامل حق معیشت می باشد. به تاسی از این نتیجه گیری محکمه مطابق به ماده ۳۷ به اصول مندرج فقره (الف) ماده ۳۹ و ماده ۴۱ اتکا کرده آنرا اساس درک و تفسیر معنی و محتوای حقوق بنیادی خواند. اگر قرار باشد که دولت مکلفیت تأمین وسایل مناسب معیشت و حق کار برای اتباع خویش را داشته باشد، این فضل

فروشی خواهد بود که حق معیشت را از محتوای حق زندگی خارج ساخت. هرچند دولت مجبور شده نمی توانست وسایل مناسب و کافی معیشت یا کار را برای اتباع فراهم سازد، ولی هر شخصی که از حق معیشت اش محروم شود، به استثنای اجراء عادلانه و منصفانه قانونی، می تواند این محرومیت را به عنوان نقض حق زندگی مندرج ماده ۲۱ به محکمه بکشاند. عدم ارایه مهلت از جانب آن شرکت موجب آن شد که حق با عارضین باشد و بنابر این محکمه فیصله نمود که آنها الی یک ماه پس از پایان فصل جاری مونسون خارج ساخته نشوند و بعداً صرف مطابق به قضاوت محکمه.

همچنانچه مراجعه شود به فیصله های ستره محکمه هند در قضیه ایالت کارناتکا در برابر اپالواینگیل، سال ۱۹۹۳ در مورد حق آب؛ ساماتا در برابر ایالت اندهرا پرادیش، سال ۱۹۹۷ در مورد حق معیشت؛ و اتحادیه آزادیهای ملکی مردم در برابر اتحادیه هند و دیگران، سال ۲۰۰۱ در مورد حق مواد خوراکی.

## (۲) تجربه قضائی افریقای جنوبی

قانون اساسی افریقای جنوبی که پس از رژیم اپارتاید به تصویب رسیده است اصول رهنمودی مدل هند را به مثابه رویه حقوق اجتماعی خوانده ولی به این حقوق رسمیت کاملاً حقوق اساسی داده است.

بخش اول فصل اول (احکام بنیادی) حکم می کند:

جمهوری افریقای جنوبی یک دولت مستقل دموکراتیک است که بر مبنای ارزش ذیل استوار می باشد:

(الف) کرامت انسانی، نیل به مساوات و رشد حقوق و آزادیهای بشر

بخشهای مختلف فصل دوم (تضمین نامه حقوق) حکم می کند:

بخش ۷ - حقوق

(۱) این تضمین نامه حقوق سنگبنای دموکراسی در افریقای جنوبی می باشد. در آن حقوق تمام مردم در کشورما تسجیل یافته و ارزشهای دموکراتیک کرامت انسانی، مساوات و آزادی تأیید شده اند.

(۲) دولت باید حقوق مندرج این تضمین نامه را احترام، حفاظت، رشد و تعمیل نماید.

(۳) حقوق مندرج تضمین نامه تابع محدودیتهای می شود که در بخش ۳۶ وجود داشته و یا به آن اشاره شده و یا در جای دیگر این تضمین نامه بیان شده اند.

#### بخش ۲۶

- (۱) هر شخص حق دارد به مسکن مناسب دسترسی داشته باشد.
- (۲) دولت باید تدابیر معقول تقنینی و دیگر اقدامات را در چارچوب منابع دستداشته بخاطر نیل به تحقق پیشرونده این حق رویدست گیرد.
- (۳) هیچ شخص بدون حکم محکمه که پس از بررسی تمام حالات ذیربط صادر شود از مسکن اش بیرون رانده نمی شود و یا منزل اش ویران نمی شود. هیچ قانون اخراج خودسرانه را مجوز دانسته نمی تواند.

#### بخش ۳۹ تفسیر تضمین نامه حقوق

- (۱) هنگام تفسیر تضمین نامه حقوق، یک محکمه، دیوان یا مجمع  
(أ) باید ارزشهای ایرا که اساس یک جامعه باز و دموکراتیک مبتنی بر کرامت انسانی، مساوات و آزادی را تشکیل می دهند رشد دهد؛  
(ب) باید حقوق بین الدول را در نظر گیرد؛  
(ج) می تواند قانون خارجی را در نظر گیرد.
- (۲) هنگام تفسیر یک قانون و حین تدوین قوانین موضوعه یا عرفی، هر محکمه، دیوان یا مجمع باید روحیه، مفهوم و اهداف تضمین نامه حقوق را رشد دهد.

#### حکومت افریقای جنوبی در برابر گروتبوم، دوسیۀ شماره ۴، ۱۱/۰۰، ماه اکتوبر سال ۲۰۰۰

افراد مدعی علیه در یک محله ای که دارای شرایط بی نهایت طاقت فرسا داشت بدون اسناد ملکیت زندگی می کردند. لذا آنها به یک زمین خالی که ملکیت شخص دیگری بود و برای اعمار مسکن ارزان قیمت در نظر گرفته شده بود، نقل مکان می کنند. مالک زمین به محکمه مراجعه نموده و در نتیجه حکم خروج آنها صادر می شود. آنها از محکمه عالی خواستند تا حکومت برای شان تا زمانی که سکونت دایمی کسب نمایند، مسکن مناسب ابتدائی فراهم نماید. محکمه عالی حکم صادر کرد که برای شان حداقل "خیمه ها، اریکاینها و تهیۀ منظم آب" فراهم شود. حکومت مرافعه طلب می شود.

محکمه قانون اساسی بادر نظر داشت مواد ۲ و ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز بخش ۲۶ قانون اساسی تدابیر دولت در جهت تحقق حق دسترسی مسکن مناسب را مورد غور قرار داده خاطر نشان

ساخت که بخش ۲۶ دولت را مکلف می سازد تا از یکسو از منع دسترسی به مسکن مناسب خودداری نماید و از سوی دیگر شرایط دسترسی به مسکن مناسب را از طریق تدوین قوانین و استفاده از وجوه مالی بوجود آورد. بایست یک برنامه جامع تهیه مسکن دولتی در جهت تحقق این حق وجود می داشت، برنامه ای که جزئیات دقیق آن موضوع قوای تقنینیه و اجرائیه بوده و از آنچه در محدوده منابع دستداشته از جانب دولت قابل دستیابی است، فراتر نرود. برنامه های مختلف تقنینی دولت در مورد دسترسی به مساعدتهای موقتی برای کسانی که زمین ندارند، بالای سر شان سقفی وجود ندارد و یا در نتیجه آفات و حوادث طبیعی و تهدید سرنگون شدن منازل شان در بحران بسر می برند، هیچ تدبیر صریح و روشنی وجود ندارد. ازینرو، برنامه سراسری مسکن که متوجه اهداف متوسط مدت و دراز مدت است و آنانی را که شدیداً مهتاج اند احتوا نمی کند، جوابگوی وجایب دولت مندرج بخش ۲۶ قانون اساسی نمی باشد.

همچنان مراجعه شود به سوبرامنی در برابر وزیر صحت عامه (کوازولو-نتال) دوسیۀ شماره CCT ۳۲/۹۷ ۲۷ نوامبر سال ۱۹۹۷ و کارزار اقدام معالجه در برابر وزیر صحت عامه CCT ۸/۰۲ ۵ جولای سال ۲۰۰۲ در مورد حق صحت.

### سوم - اقدام دولت

تطبيق میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظارت می شود که از جانب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۱۷/۱۹۸۵ مؤرخ ۲۸ می سال ۱۹۸۵ به منظور انجام وظایفی که در بخش چهارم این میثاق به آن شورا محول شده، تأسیس گردید. در این کمیته ۱۸ تن کارشناس عضویت دارند که برای مدت چهارسال براساس نمایندگی علی السویه جغرافیائی انتخاب می شوند. فقره (۱) ماده ۱۶ از کشور عضو میثاق می طلبد تا گذارشات خویش را مبنی بر اقدامات اتخاذ شده و پیشرفت در راه نیل به رعایت حقوق مندرج میثاق، در ابتدا طی دوسال پس از تصویب میثاق در کشور و بعداً هر پنج سال به آن شورا گسیل دارند. این کمیته همچنان " تبصره های عمومی " یا اظهارات معتبر تفسیر وجایب مندرج میثاق را به نشر می رساند.

مشکلاتی که محاکم حین رسیدگی به قضایای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن مواجه شدند باعث گردید تا کمیته تبصره های ذیل را اعلام بدارد:

" حق تدبیر مؤثر به معنی آن نیست که حتماً یک تدبیر قضائی باشد. در بسیاری موارد تدبیرهای اداری کافی خواهد بود... تدابیر اداری باید قابل دسترسی، ممکن، به موقع و مؤثر باشند ... ولی

هرگاه یک حق مندرج میثاق بدون سهمگیری نقش قضا ناممکن باشد، در آنصورت تدابیر قضائی باید اتخاذ شود.

در رابطه با حقوق مدنی و سیاسی عموماً چنین پنداشته می شود که تدابیر قضائی جهت رسیدگی به تخطی ها ضروری می باشد. متأسفانه در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این پندار اکثراً برعکس است. این تفاوت نه در ماهیت حقوق و نه در احکام ذیربط میثاق توجیه شده است... بعضاً پیشنهاد می شود که مسایل مربوط به تخصیص منابع باید نه به محاکم بلکه به مقامات سیاسی گذاشته شود. درحالیکه به صلاحیتهای مربوطه ارگانهای حکومت باید احترام شود لازم است اذعان نمود که محاکم عموماً در شمار قابل ملاحظه مسایلی که دارای تأثیرات عمده منابع می باشد دخیل اند.<sup>۵</sup>

کمیته به اظهارات خویش ادامه داده تذکر نمود که بسیاری حقوق مانند حقوق مردان و زنان مبنی بر مزد مساوی در برابر کار مساوی (بند (۱) فقره (الف) ماده ۷)، حق تشکیل اتحادیه های صنفی و حق اعتصاب (ماده ۸) و آزادی پژوهشها و خلاقیت علمی (فقره (۳) ماده ۱۵) قابل تعمیل فوری می باشند.

این امر کشورهای عضو را مکلف می سازد تا تدابیر اداری را بنخاطر رسیدگی به تخطی های حقوق فراهم سازند: اتخاذ اقدامات عمدی، مشخص و هدفمند در جهت تأمین وجایب مندرج میثاق و با استفاده از تمام امکانات لازم بشمول اقدامات تقنینی.<sup>۶</sup> کشورهای عضو باید در ابتدا در ظرف دو سال پس از پذیرش میثاق و بعداً هر پنج سال گزارش ارائه نمایند. هدف از این گزارش عبارت است از:

- تأمین بررسی همه جانبه قوانین ملی، مقررات، لوایح و طرزالعملهای اداری؛
- جمع آوری آمار و معلومات به منظور ارزیابی وضع موجود با توجه خاص به مناطق و ساحات تهیدست و گروههای بزرگ و کوچک خیلی آسیب پذیر و محروم؛
- تشویق حکومت به طرح برنامه های واضح و دقیق بشمول تعیین اولویتهای که احکام میثاق را بازتاب نمایند؛
- تسهیل نظارت مردم از برنامه های حکومت در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تشویق سهم ساختن سکتورهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طرحریزی، تعمیل و بررسی برنامه های ذیربط؛
- فراهم ساختن یک پایه ایکه براساس آن حکومت بتواند میزان پیشرفت تحقق مکلفیتهای مندرج میثاق را ارزیابی نماید؛

<sup>۵</sup> General Comment No. ۹ (۱۹۹۸) UN Doc. E/۱۹۹۹/۲۲, Annex IV.

<sup>۶</sup> General Comment No. ۳ (۱۹۹۰) UN Doc E/۱۹۹۱/۲۳, Annex III.

- قادرساختن کشور عضو به رشد درک بهتر از دشواریها و کمبودیها در راه تحقق پیشرونده تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ و
- قادر ساختن کمیته و کشورهای عضو در مجموع به تسهیل تبادل معلومات میان دول و رشد درک بهتر از پروبلمهای مشترک شان و از ارزیابی کاملتر اقدامات ممکن در جهت تجق هریک از حقوق مندرج میثاق.<sup>۷</sup>

کمیته هر گذارش واصله را ارزیابی نموده نگرانیها و سفارشهای خویش را به شکل " مشاهدات نهائی " به کشور مربوطه می فرستد. افغانستان تا کنون در مورد تطبیق میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گذارش نداده است.

نهادهای ملی حقوق بشر نیز در این زمینه نقش خویش را از طریق اقدامات ذیل ایفا می کنند:

- رشد برنامه های آموزشی و معلوماتی به منظور ارتقای سطح آگاهی و درک از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم در بین مردم به طور عام و هم میان گروههای خاص از قبیل خدمات عامه، قضا، سکتور خصوص و جنبش کارگری؛
- حلاجی قوانین موضوعه و مقررات اداری بشمول مسوده های قوانین و سایر پیشنهادات به منظور مطابقت آن با مطالبات میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛
- فراهم ساختن مشوره های تخنیکی یا پیشبرد احصایه ها به ارتباط حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجمله به اثر تقاضای مقامات دولتی یا سایر موسسات ذیربط؛
- تعیین میزانها در سطح ملی به منظور پیمایش تحقق مکلفیتهای مندرج میثاق؛
- پیشبرد تحقیقات و پژوهشها به منظور تثبیت سطح تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا در داخل کشور در مجموع و یا در ساحات و محلاتی که خیلی آسیب پذیر اند؛
- نظارت رعایت حقوق مشخص و شناخته شده در میثاق واریه گذارش مربوط به مقامات دولتی و جامعه مدنی؛ و
- بررسی شکایات مبنی بر نقض موازین قابل تطبیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در داخل کشور.<sup>۸</sup>

کمیته همچنان از سهمگیری سازمانهای غیرحکومتی در روند گذارشدهی استقبال می نماید.<sup>۹</sup> کمیته امیدوار است که در آینده نیز قادر خواهد بود شکایات انفرادی را بررسی نماید - مسوده یک پروتوکل اختیاری در زمینه زیر کار است.<sup>۱۰</sup>

<sup>۷</sup> General Comment No. ۱ (۱۹۸۹) UN Doc E/۱۹۸۹/۲۲.  
<sup>۸</sup> General Comment No. ۱۰ (۱۹۹۸) UN Doc E/C.۱۲/۱۹۹۸/۲۵  
<sup>۹</sup> <http://www.ohchr.org/english/bodies/cescr/NGOs.htm>  
<sup>۱۰</sup> <http://www.ohchr.org/english/bodies/cescr/>